

از همبستگی دفاعی تا توسعه پایدار

شماره روزنامه: ۶۳۴۲ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ شماره خبر: ۴۱۹۸۰۶۳ باشگاه اقتصاددانان

عارف کرامتی*

جنگ ۱۲روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی، یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر کشورمان بود که نه‌تنها تأثیرات امنیتی و نظامی فراوانی به جا گذاشت، بلکه تحولات اجتماعی و روانی گسترده‌ای نیز در پی داشت. یکی از برجسته‌ترین این تحولات، افزایش سطح همبستگی داخلی مردم ایران بود؛ تغییری چشمگیر که نشان داد چگونه یک تهدید خارجی می‌تواند شکاف‌های درونی را به‌طور موقت کمرنگ کرده و حس اتحاد ملی را تقویت کند.

از همبستگی دفاعی تا توسعه پایدا، پیش از آغاز جنگ، جامعه ایران با چالش‌های متعددی دست‌به‌گریبان بود: بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای رسمی، نارضایتی شدید از وضعیت اقتصادی، اختلاف‌نظرهای سیاسی و ناامیدی نسل جوان نسبت به آینده. در چنین شرایطی، مشارکت اجتماعی و سیاسی به‌طور محسوسی کاهش یافته بود. فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی، عمدتاً درگیر انتقاد نسبت به نهادهای دولتی بود. بسیاری از مردم خود را از ساختار سیاسی جدا می‌دانستند و انسجام ملی در سطح بالایی قرار نداشت.

با آغاز حملات اسرائیل، فضا به‌یک‌باره تغییر کرد. تهدید خارجی، مردم را در برابر دشمن مشترک به هم نزدیک‌تر کرد؛ حتی گروه‌های منتقد نظام نیز مواضع حمایتی اتخاذ کردند. لحن فضای مجازی و رسانه‌ها از انتقاد به همبستگی تغییر یافت. تمرکز عمومی از مسائل داخلی به دفاع از کشور معطوف شد. در بسیاری از شهرها، مردم با روحیه داوطلبانه در مراسم تشییع شهدا، امدادسانی، و پشتیبانی از نیروهای نظامی شرکت کردند. این رفتارها نشان داد که ریشه‌های سرمایه اجتماعی همچنان در جامعه زنده است و می‌تواند در لحظه بحران فعال شود.

سرمایه اجتماعی، به‌زبان ساده، یعنی میزان اعتمادی که مردم به یکدیگر و به نهادهای اجتماعی دارند؛ میزان مشارکت، همکاری و مسوولیتی که برای حفظ امنیت، رفاه و انسجام جامعه از خود نشان می‌دهند. همبستگی داخلی یکی از اصلی‌ترین نمودهای این سرمایه است. جنگ ۱۲روزه نشان داد که در دل جامعه ایرانی، به‌رغم فشارهای سیاسی و اقتصادی، ظرفیت‌هایی برای همدلی و اتحاد همچنان وجود دارد.

در روزهای نخست جنگ، شاهد نوعی «فعال‌سازی اضطراری سرمایه اجتماعی» بودیم. جامعه‌ای که در حالت عادی با شکاف و واگرایی مواجه بود، ناگهان در برابر تهدید بیرونی واکنشی یکپارچه از خود نشان داد. از جناح‌های سیاسی تا شهروندان عادی، همگی در کنار هم قرار گرفتند. حتی جریان‌های منتقد نیز به‌صراحت از نیروهای مسلح حمایت کردند. رسانه‌های رسمی و غیررسمی نیز در تقویت روایت مقاومت و پایداری نقش داشتند. این همگرایی نشان داد که سرمایه اجتماعی در ایران، اگرچه در سال‌های اخیر تضعیف شده، اما از بین نرفته و در لحظات حساس می‌تواند به‌سرعت فعال شود.

این پدیده، از منظر جامعه‌شناسی و توسعه، بسیار قابل‌توجه است. نظریه‌پردازانی مانند رابرت پاتنام، داگلاس نورث، فرانسیس فوکویاما و جوزف استیگلیتز همگی تأکید دارند که سرمایه اجتماعی، یکی از پایه‌های توسعه پایدار است. پاتنام در پژوهش‌های خود نشان داده که هرچا مشارکت اجتماعی و اعتماد میان مردم بیشتر باشد، کیفیت حکومت‌داری و عملکرد اقتصادی نیز بهتر خواهد بود. نورث نیز باور دارد که سرمایه اجتماعی با کاهش هزینه‌های مبادله، بهره‌وری اقتصادی را افزایش می‌دهد. فوکویاما سرمایه اجتماعی را شرط لازم برای شکل‌گیری نهادهای موفق و بنگاه‌های اقتصادی خلاق می‌داند و استیگلیتز هشدار می‌دهد که بدون وجود این سرمایه، سیاست‌های اقتصادی نیز شکست خواهند خورد.

در کشور ما، فرصت بازسازی این سرمایه ارزشمند، معمولاً در بزنگاه‌های دفاعی و امنیتی پدیدار می‌شود. جامعه ایران، در مواجهه با تهدید خارجی، به‌طور سنتی گرایش به همبستگی و اتحاد پیدا می‌کند. در جریان جنگ اخیر، سرمایه اجتماعی نه از دل اصلاحات حکمرانی یا پاسخگویی نهادی، بلکه در سایه یک تهدید بیرونی فعال شد. این همبستگی، اگرچه احساسی به نظر می‌رسید، اما در عمق خود حامل پیام روشنی بود: جامعه ایران هنوز هم توانایی ایستادن کنار یکدیگر در لحظات سرنوشت‌ساز را دارد.

از این منظر، جنگ ۱۲روزه را می‌توان فرصتی برای بازسازی سرمایه اجتماعی حول محور دفاع ملی دانست. در آن روزها، مردم از گرایش‌ها و باورهای مختلف، از موافقان تا منتقدان، اختلافات را به حاشیه راندند و برای دفاع از کشور، کنار هم ایستادند. مردم به نیروهای مسلح اعتماد کردند، رسانه‌ها تلاش کردند تصویر مقاومت را بازنمایی کنند و احساس تعلق ملی در قالب رفتارهای داوطلبانه احیا شد. این اتفاق، بدون تردید، بازتاب نوعی ظرفیت پنهان و قدرتمند در جامعه ایران بود.

بااین‌حال، باید تأکید کرد که سرمایه اجتماعی اگر فقط در زمان بحران فعال شود و در دوره‌های آرامش نادیده گرفته شود، به‌سرعت تحلیل می‌رود. برای حفظ این سرمایه، باید اعتماد مردم به نهادهای رسمی بازسازی شود. این نیازمند شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت و فراهم‌کردن بسترهای واقعی برای مشارکت است. دولت باید از این لحظه تاریخی استفاده کند تا پیوند میان مردم و حاکمیت را تقویت کرده و مشارکت مدنی را به عرصه‌های دیگر توسعه، از جمله اقتصاد و فرهنگ، تسری دهد.

سرمایه اجتماعی حاصل از این تجربه، گنجینه‌ای گران‌بهاست که نباید تنها در مواقع تهدید مورد بهره‌برداری قرار گیرد. اگر از این ظرفیت به‌درستی استفاده شود، می‌توان آن را به ابزاری برای بازسازی اقتصادی، تقویت مشروعیت سیاسی، و ایجاد انسجام ملی پایدار تبدیل کرد. دفاع ملی تنها به معنای مقابله با دشمن خارجی نیست؛ بلکه فرصتی است برای بازسازی رابطه دولت و ملت، و احیای اعتماد عمومی.

* دانشجوی دکتری توسعه اقتصادی

ایران توسعه پایدار رژیم صهیونیستی مردم ایران نسل جوان

این مطلب برایم مفید است

ما را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

بله اینستاگرم تلگرام ایکس لینکدین

عارف کرامتی



- از همبستگی دفاعی تا توسعه پایدار
- همبستگی دفاعی و تقویت اعتماد عمومی

